

به مناسبت ۵ آذر و برای نخستین بار، پس از ۴۲ سال منتشر می‌شود

گزارش‌های اختصاصی خراسان از چگونگی تشکیل «بسیج مستضعفین»

در شهریور ۱۳۵۹، اولین تجمع نیروهای بسیجی کشور بااستعداد ۱۰ هزار نفر، در «باغرو» نیشابور برگزار شد و در مهر همان سال، ۱۰۰ هزار نیروی بسیجی، حراست از امنیت خراسان را برعهده گرفتند. در این ایام، فرماندهی بسیج استان بااستعداد ۱۰۰ هزار نیروی آموزش دیده برعهده زنده‌یاد امیر سرتیپ علی کوچک‌زاده بود که به تازگی دارفانی را وداع گفت

جواد نوثانیان رودسری – چهارم آذر سال ۱۳۵۸، قم؛ گروهی از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران، به دیدار امام خمینی آمده‌اند. بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در باره «اهمیت شناخت موقعیت و شرایط زمان برای طرح مسائل» صحبت می‌کند و این که ایران اسلامی یک‌تنه در برابر زور گویان ایستاده و در این نبرد سنگین و همه‌جانبه، ما بیش از هر زمان دیگری به هوشیاری و دقت نیاز مندیم. اما سخنان او به معنای ضعف نیروهای جوان و کم‌تجربه نیست. امام باز هم با همان کلام نافذ و قاطع، فرمانی را صادر می‌کند که خبر از آغاز یک فصل جدید در تاریخ ایران می‌دهد: «یک ملت همه جوان هایش [باید] مجهز باشند، سلاحی هم باشد و یاد گرفته باشند، چنان نباشند که یک تفنگی دستشان آمد، ندانند با آن چه بکنند. باید یاد بگیرند و یاد بدهید رفقایان را. جوان‌ها را یادشان بدهید و همه جایاید این‌طور بشود که یک مملکت، بعد از یک چند سالی، کشوری که ۲۰ میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار [هم] داشته باشد. بیست میلیون ارتش داشته باشد و این یک همه‌چه مملکتی، آسیب بردار نیست و الان هم الحمدلله آسیب بردار نیست. الان هم ما پشتیبان نمان خداست و ما برای او نهضت کردیم.» روز پنجم آذر ماه ۱۳۵۸، فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی یا «بسیج مستضعفان» منتشر شد. همه نیروهای جان بر کف انقلاب پای کار آمدند تا این بار، با اتکا به خدای متعال و نیروی جوان این مرز و بوم، نیرویی رزمی – مردمی را بسازند که ثمرات و برکات آن برای دهه‌ها نصیب ایران زمین شود و چنین شد که بسیج مستضعفین پا گرفت، بالیدو چون درختی تناور، به‌ثمر نشست. در این تحول و اتفاق بزرگ، استان خراسان در خط مقدم فعالیت‌ها قرار داشت. مروری بر گزارش‌های روزنامه خراسان، در آن روزهای پرتهاپ، شواهدی را برای اثبات این ادعافراهم می‌کند که در ادامه، فرازهایی از آن را باهم مرور می‌کنیم.

■ **نخستین اردوی آموزشی سراسری ۱۰ هزار بسیجی در باغرو**

۲۰ شهریور ماه سال ۱۳۵۹، کمتر از یک سال بعد از فرمان امام خمینی مبنی بر تشکیل بسیج مستضعفین، خراسان میزبان نخستین اردوی سراسری بسیجیان کشور می‌شود. ۱۰ هزار نیروی بسیجی در قالب گردان‌های تحت تعلیم، از سراسر ایران به خراسان می‌آیند تا پس از زیارت مضع

مطلب مرتبط

امیر سرتیپ کوچک‌زاده و افتخارات ماندگار او

زنده‌یاد امیر سرتیپ علی کوچک‌زاده، فرمانده لایقی که در گزارش‌های این مطلب، نام او را بارها خواندید، از نظامیان وفادار به انقلاب اسلامی بود. وی در زمان انقلاب، با درجه سرهنگ دومی، فرماندهی گردان مخابرات لشکر ۷۷ خراسان را برعهده داشت. با صدور فرمان امام(ره) برای تشکیل بسیج مستضعفین، کوچک‌زاده به عنوان مسئول بسیج مستضعفین استان خراسان منصوب شد. او بعدها پس از تشکیل قرارگاه غرب توسط شهید سپهبد صیاد شیرازی، ریاست ستاد و معاونت فرماندهی این قرارگاه را برعهده گرفت. مرحوم کوچک‌زاده در سال ۱۳۶۰، باحکم

در میان رجال سیاسی دوره معاصر، به ویژه سیاستمداران

گزارش تاریخی

نوثانیان

فروغی، مشهور به «ذکاءالملک» که امروز سالروز درگذشت اوست، در ردیف معدود افرادی قرار می‌گیرد که به‌رغم ایفای نقش عمده در بسیاری از وقایع سیاسی دوران حیاتشان، چندان با چشم نیامدند یا در کانون توجه کسانی که تاریخ را به صورت عمومی مطالعه می‌کنند، قرار نگرفتند. به جرئت می‌توان گفت که وی یکی از باسوادترین سیاستمداران دوره خود بوده‌است؛ وابستگی به خانواده‌ای اهل فرهنگ و اشتغال به ترجمه و فراگیری زبان‌های خارجی از دوران نوجوانی، زمینه‌ساز پرورش ذهنی فروغی شد. پدرش، محمدحسین ذکاءالملک، ریاست دارالترجمه ناصرالدین شاه را برعهده داشت و برخی معتقدند که اصالت پهلوی پدران وی که آن‌ها را یهودیان ساکن بغداد دانسته‌اند، باعث برقراری ارتباط سیستماتیک میان سفارت انگلیس و او شد، ارتباطاتی که بعد از مرگ محمدحسین خان، همراه با لقبش، به محمدعلی فروغی ارث رسید و طولی نکشید که او را به یکی از دوستان مهم و مورد اعتماد بریتانیا در ایران تبدیل کرد. فروغی در دارالفنون درس خواند؛ ابتدا پزشکی و پس ازرها کردن نیمه کاره آن، فلسفه و زبان‌های خارجی. با این حال، او اصلاً خودش را به آموزش‌های آکادمیک محدود نمی‌کرد و حتی به‌سراغ زبان‌گان فلسفه آن دوران، مانند میرزا ابوالحسن جلوه می‌رفت تا بیشتر و بیشتر بیاموزد. فروغی اهل هنر بود و گزارش‌هایی دربرهه شاگردی وی، نزد کمال الملک هم وجود دارد.



امام خمینی (ره)، فرمانده ژاندارمری کل کشور شد. در همین سِمَت بود که در سال ۱۳۶۱ و ضمن حضور در برنامه رژه نیروهای ژاندارمری در اهواز، توسط گروهک منافقین ترور شد اما به شهادت نرسید. امیر سرتیپ کوچک‌زاده، روز دوم آذر امسال، به اثر کپولت سن دارفانی را وداع گفت و پس از تشییعی باشکوه، در حرم مطهر به خاک سپرده شد.

■ **طرفدار سیاست‌های انگلیس در ایران**

واضح است که او به دلیل همین توانایی‌ها، معلم احمدشاه قاجار شد؛ هر چند که بسیاری از مورخان، ارتباطات فروغی و ناصرالملک (نایب السلطنه انگلوفیل احمدشاه) با سفارت بریتانیا را دلیل انتخاب فروغی می‌دانند. او عمیقاً به سیاست‌های انگلیس در ایران معتقد بود؛ شاید شبیه میرزا حسین‌خان سپهسالار که مستعمره شدن ایران را تنها راه پیشرفت کشور و ورود فناوری‌های نوین به ایران می‌دانست. البته فروغی با دارا بودن عنوان استاد اعظم لژ فراماسونری و سطح بالای معلومات، قطعاً دیدگاهی متفاوت نسبت به میرزا حسین‌خان سپهسالار داشت. او یک بار در کلاس درسش، در دارالفنون، ایران را به آستینی بدون دست تشبیه کرده بود که برای حرکت دادن آن، به یک دست قدرتمند نیاز است، دستی که از نظر ذکاءالملک، همان دولت انگلیس بود.

■ **سرخوردگی در کنفرانس صلح پاریس**

فروغی در دوره دوم مجلس شورای ملی، یعنی بعد از خوابیدن غائله استبداد صغیر، نماینده مجلس شورای ملی شد و در دوران مشوش و پُر کابینه تاریخ ایران، یعنی نیمه دوم دهه ۱۲۹۰ ش، در کابینه مصصام السلطنه و مشیرالدوله، به وزارت مالیه و عدلیه رسید. فروغی در همان سال‌ها بعد از فروکش کردن



شریف رضوی، دوره‌های نظامی و عقیدتی را در اردوگاه باغرو د نیشابور پشت سر بگذارد؛ حالا خراسان، نخستین میزبان نیروی بسیج مستضعفین کشور است. روزنامه خراسان با شور زایدالوصفی گزارش برگزاری این اردوی خاص، ویژه و منحصر به فرد را منتشر می‌کند و در صفحه ۳ مورخ ۲۱ شهریور ماه به نقل از سرهنگ کوچک‌زاده که در آن زمان فرماندهی نیروی بسیج را در استان خراسان برعهده و مأموریت داشت که این نیرو را سازمان دهی کند، می‌نویسد: «شرکت کنندگان در این اردو که بیش از ۱۰ هزار نفر هستند، از سراسر ایران به این اردوگاه آمده‌اند و هدف آن است که در مدت برگزاری اردو، هم عملاً آموزش‌های رزمی ببینند و هم آموزش‌های ایدئولوژیک را.» بسیجی‌ها در اولین اردوی

■ **۷ مهر ۵۹؛ نخستین اعزام بسیجیان خراسان به جبهه**
روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، جنگ تحمیلی با حمله عراق به مرزهای کشورمان آغاز شد. نیروی بسیج مستضعفین خراسان، در زمره نخستین نیروهای مردمی مدافع دین و میهن بود که به سوی جبهه شتافت. روزنامه خراسان، طی خبری در شماره روز دوم مهر ۱۳۵۹، اعلام کرد که نیروهای بسیج مستضعفین خراسان، به حال آماده‌باش درآمده‌اند. چند روز بعد، روز هفتم مهر ماه، ۵۶۳ نفر از نیروهای آموزش دیده بسیج مشهد در اردوگاه باغرو د نیشابور، در ایستگاه راه‌آهن جمع شدند تا همراه با گردان زرهی لشکر ۷۷ خراسان، به جبهه اعزام شوند. این خبر در صفحه نخست روزنامه خراسان مورخ ۸ مهر ماه، با عکسی از تجمع مردم و بسیجیان در راه‌آهن منتشر شد. در این گزارش آمده بود: «در این مراسم، علاوه بر جمعی از روحانیون و طبقات مختلف مردم، دکتر حسن غفوری فرد استاندار خراسان، سرهنگ جوادی فرمانده لشکر ۷۷ و جمعی از

نگاهی به زندگی پر تناقض و عجیب محمد علی ذکاءالملک در سالروز درگذشت او

از فروغی فیلسوف تا فروغی سیاستمدار



آتش جنگ جهانی اول، در ست در زمانی که گروهی از سیاستمداران انگلیسی و در رأس آن‌ها «کرنز»، به دنبال تبدیل ایران به مستعمره بریتانیا بودند، همراه با مشاور الممالک انصاری و حسین علاء، به پاریس رفت تا در کنفرانس صلح شرکت و مطالبات ایران از دولت‌های متخاصم را مطرح کند اما آن‌ها را به محل کنفرانس راه ندادند. فروغی از پاریس نامه‌ای به دولت وقت ایران نوشت، نامه‌ای که باید آن را یکی از اسناد بسیار مهم تاریخ معاصر بدانیم. او در این نامه، بعد از ذکر مصائبی که در پاریس به



مسئولان حضور داشتند. طبق گزارش خبرنگار روزنامه خراسان، بسیجیان را ۱۳ دستگاه اتوبوس به محوطه راه‌آهن خراسان منتقل کرده بودند. دکتر غفوری فرد، به زحمت جمع مشایعت کنندگان را شکافت و خودش را به نزدیکی بسیجیان رساند تا برای آن‌ها سخنرانی کند. او با صدایی که از هیجان می‌لرزید، گفت: «برادران عزیز بسیج مستضعفین! این خواهران و برادران که برای مشایعت شما آمده‌اند، می‌خواهند به شما بگویند که شما در سنگرها تنها نیستید و ما همگی در جبهه‌ها از شما حمایت می‌کنیم. بدانید که اگر شما اولین گردان بسیج مستضعفین مشهد، غازم غرب کشور هستید، هر لحظه که لازم باشد، همه ما از دوزن، پیر و جوان، همه و همه، لباس رزم خواهیم پوشید و از انقلاب اسلامی در تمام جبهه‌ها دفاع خواهیم کرد.»

■ **حفظ امنیت خراسان با ۱۰۰ هزار بسیجی**

باتمرکز نیروهای نظامی بر جبهه‌های نبرد، ضرورت توجه به حفظ امنیت داخل کشور، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شد. خراسان در آن زمان، با داشتن ۱۰۰ هزار بسیجی آموزش دیده، نگرانی چندان در این حوزه نداشت. روزنامه خراسان، دو روز بعد از اعزام گردان بسیجیان مشهد، در مصاحبه‌ای اختصاصی با سرهنگ کوچک‌زاده، جزئیات بیشتری از این خدمت‌رسانی نیروی تازه‌تأسیس بسیج را در اختیار خوانندگان خودش گذاشت. کوچک‌زاده در پاسخ به پرسش‌های خبرنگار خراسان گفت: «افراد بسیج در راستای حفظ امنیت شهر به سه قسمت تقسیم شده‌اند. قسمت اول گشت شبانه هستند، قسمت دوم در حال آماده‌باش در مساجد و قسمت سوم هم استراحت می‌کنند و به همین ترتیب، جای آن‌ها با هم عوض می‌شود.» کوچک‌زاده اضافه کرد: «در منطقه خراسان حدود ۱۰۰ هزار نفر زیر پوشش ستاد بسیج مستضعفین می‌باشند که همگی آموزش نظامی دیده‌اند.» در این گفت و گو، حتی صحبت از اعزام خواهران بسیجی به جبهه‌ها مطرح شد و سرهنگ کوچک‌زاده پاسخ داد: «در این مورد هنوز اقدامی صورت نگرفته که البته در آینده پس از آموزش نظامی به خواهران، در صورت نیاز آنان را نیز به غرب اعزام خواهیم کرد.»

ثابت می‌کرد که هویت ایرانی هیچ تپایینی با مسلمانی ندارد بلکه اسلام‌گرایی ایرانیان، ضامن بقای آن‌ها به عنوان یک تمدن بزرگ و صاحب ثروت‌های مادی و معنوی بسیار بوده است. فروغی توانست چند دوره نخست‌وزیر و شاه‌شاه باشد اما طبعاً قدرت و نفوذ او در بدنه حاکمیت که بیشتر ریشه در ارتباطات گستره له وی با سفارت انگلیس داشت، پهلوی او را که از نداشتن اعتماد به نفس رنج می‌برد، آزار می‌داد. به همین دلیل، به دنبال موقعیتی می‌گشت که سایه این تهدید را از سر خود دور کند. ماجرای قیام مسجد گوهرشاد، این بهانه را به دست‌ز شاه‌داد؛ فروغی از پدر دامادش، محمدولی اسدی که نایب‌التولیه استان قدس و متهم به مماشات با مردم شده بود، حمایت‌واز پهلوی اول تقاضا کرد که وی را ببخشد. ز شاه‌ه همین واسطه را بهانه قرار داد و فروغی را به یک مرخصی طولانی فرستاد تا در کنج اتاق مطالعه و میان کتاب‌هایش روزگار بگذراند؛ چون می‌توانست به فروغی آسیبی وارد کند، چون انگلیس هنوز هم روی ذکاءالملک حساب می‌کرد. گذر ایام نشان داد که این امر بی‌دلیل نبوده‌است؛ ز شاه‌پس از ورود متفقین در شهریور ۱۳۲۰، دست به دامن فروغی شد تا بین او و انگلیسی‌ها وساطت کند و چنین بود که آخرین مأموریت ذکاءالملک شروع شد؛ او برای محمد رضا پهلوی همان نقشی را بازی کرد که برای پدرش بازی کرده بود البته با نظر و صلاحیت سفارت بریتانیا در تهران. فروغی چند ماه بعد از انتقال قدرت، از سیاست کناره گرفت و کمتر از یک سال بعد، در پنجم آذر ۱۳۲۱ در گذشت.

۵ تاریخ

قاب تاریخ

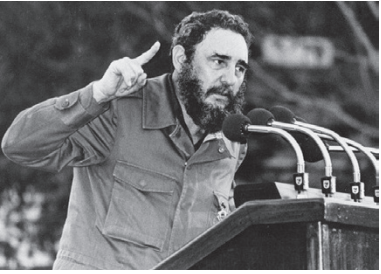


روایت مشهد ۱۱۰ سال قبل در قاپ یک تصویر

تصویر قاپ تاریخ امروز، یکی از مهم‌ترین تصاویر مشهد در ابتدای دهه ۱۲۹۰ ش است. یوسف‌خان هراتی (نفر سمت راست) و محمد قورش آبادی (نفر سمت چپ)، دو تن از سران طرفدار استبداد در مشهد بودند که در جریان بازگشت محمدعلی شاه به ایران و تلاش او برای رسیدن دوباره به قدرت، به همکاری با وی پرداختند. این افراد که با روسیه تزاری در ارتباط بودند، بعد از تصرف صحن‌های حرم رضوی، در آن جاسنگر بندی کردند و به‌رغم شکست عملیات بازگشت محمدعلی شاه، حاضر نشدند از آن‌جا بیرون بیایند. نتیجه این اقدام، حمله سربازان تزار به حرم رضوی و به توپ بستن آن در نوروز سال ۱۲۹۱ ش بود. دکتر یوسف متولی حقیقی در جلد نخست «تاریخ معاصر مشهد»، در این دو نفر و همدستان آن‌ها می‌نویسد: «یوسف‌خان ریاضی هروی، محمدعلی قورش آبادی، نایب علی اکبر نوغانی و اسماعیل ترشیزی؛ این عده به رهبری یوسف‌خان، کمیته‌ای را در مشهد به منزلی واقع در دالان غربی معروف به دالان حسن‌خان [و در مجاورت حرم رضوی]، بر ضد حکومت مشروطه و طرفداری از محمدعلی شاه مخلوع تأسیس کردند و بر آن بودند... که وی را دوباره به تخت سلطنت ایران بنشاندند.» از سرنوشت دقیق این دو تن، بعد از واقعه به توپ بستن حرم رضوی، اطلاع در دست نیست؛ اما گویا هر دو به دلیل شراکت و درگیری‌هایی که داشتند، توسط دشمنانشان به قتل رسیدند. عکس احتمالاً اوایل سال ۱۲۹۱ ش و در جریان شورش یوسف‌خان در مشهد گرفته شده‌است؛ یعنی چیزی حدود ۱۱۰ سال قدمت دارد.

تاریخ جهان

مردی که ۶۰۰ بار ترور شد!



«فیدل کاسترو» با نام کامل «فیدل آلخاندرو کاسترو روث» روز ۱۳ اوت ۱۹۲۶ میلادی (۲۱ مرداد ۱۳۰۵ ه.ش.) در شهر «بیران» واقع در ایالت «اولگین» کوبا، متولد شد. خانواده او از زمین‌داران بزرگ کوبا بودند. به همین دلیل، کاسترو تحصیلات خود را در بهترین مدارس کوبا گذراند و موفق شد در رشته حقوق از دانشگاه‌ها و انا دانش آموخته شود. او در دوران جوانی به حزب «مردم کوبا» پیوست و کوشید در انقلاب مردم دومینیکن علیه حکومت وابسته به آمریکا شرکت کند اما موفق به این کار نشد. کاسترو بعدها به مبارزه با حکومت وابسته کوبا پرداخت. او یک بار توسط مأموران «باتیستا»، دیکتاتور کوبا، بازداشت شد؛ اما پس از رهایی از زندان، دوباره مبارزات انقلابی خود را پی گرفت و توانست با همکاری مردم مبارزانی مانندارنستو چگوارا، در سال ۱۹۵۹ م (۱۳۳۸ ه.ش)، رژیم «باتیستا» را سرنگون کند و حکومت این کشور را به دست بگیرد. کاسترو، تا زمان درگذشت، عنوان «رهبر کوبا» را داشت. به تعبیر یکی از مورخان، «وی در دوران زندگی خود، طولانی‌ترین مبارزه همه جانبه را با امپریالیسم آمریکا سازمان دهی کرد.» سیا بارها سعی کرد کاسترو را با ترور از میان بردارد اما هیچ‌گاه در این زمینه موفق نشد. مأموران آمریکایی، طی دهه حاکمیت کاسترو، بیش از ۶۰۰ طرح و نقشه برای ترور وی تدارک دیدند اما موفق به اجرای هیچ کدام از آن‌ها نشدند. کاسترو، در اواخر عمر از مسئولیت‌های سیاسی کناره گرفت. او سرانجام، در ۲۵ نوامبر ۲۰۱۶ میلادی (۵ آذر ماه سال ۱۳۹۵ ه.ش)، در ۹۰ سالگی در گذشت.